

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

## محبت ( ص ۱۱۴ ف ۴ - ۱۱۴ ف ۶ )

❁ محبت اهل بیت آتشی است که همه‌ی آتش‌ها را می‌سوزاند. محبت آتش سرد است.

سوزاننده‌ی آتش کینه، آتش حسد، آتش حرص و آتش‌هایی که در وجود انسان‌ها بر پاست، چیست؟ آتش محبت خداست. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «حُبُّ اللَّهِ نَارٌ لَا تَمُرُّ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا اخْتَرَقَ»<sup>۱</sup> محبت خدا آتشی است که بر هیچ چیزی عبور نمی‌کند، مگر اینکه او را می‌سوزاند. فرق آتش محبت با آتش‌های دیگر چیست؟ آتش محبت، خنک و سرد است. خدای متعال به آتشی که ابراهیم را در آن انداخت فرمود: «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ»<sup>۲</sup> ای آتش بر ابراهیم خنک و سلامت شو. حرص، غضب، حسد، عداوت و کینه انسان را داغ می‌کند؛ واقعاً بدن فرد هم داغ می‌شود؛ این آتش‌های داغ است؛ اما آتش محبت انسان را خنک می‌کند و فرد از داغی‌ها نجات پیدا می‌کند. محبت خدا انسان را خنک می‌کند و خنکای نسیم بهشت به انسان می‌وزد؛ خنک خنک. این آتش همه‌ی آتش‌ها را می‌سوزاند و از بین می‌برد و آتش خنک هم هست، آتش داغ نیست. خدا رحمت کند آقا دولابی را می‌فرمود آن‌موقع هنوز جنگ بین دو ابرقدرت امریکا و شوروی بود؛ منتها جنگ سرد؛ یعنی توپ و تانک و بمب و اسلحه به کار نمی‌رفت؛ جنگ با دیپلماسی یا جنگ سرد بود؛ همدیگر را تهدید

<sup>۱</sup>. منسوب به امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۱۹۲.

<sup>۲</sup>. سوره‌ی ابراهیم، انبیاء، آیه‌ی ۶۹.

می‌کردند و برای درگیری دست به کار نمی‌شدند. می‌فرمود در وادی محبت هم جنگ سرد وجود دارد. آتش جنگ محبت، آتش سرد و خنک است؛ برد و سلام است.

🌸 آتش محبت سرد است و آتش جهنم را خاموش می‌کند. (۳:۱۸)

پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند: وقتی مؤمن از روی پل صراط عبور می‌کند، ناله‌ی دوزخ برمی‌خیزد که ای مؤمن زودتر رد شو، نور تو نار مرا خاموش کرد. نور مؤمن آتش دوزخ را خاموش می‌کند. قبلاً عرض کرده‌ام: ذیل آیه‌ی «إِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا»<sup>۳</sup> که هیچ‌یک از شماها نیست مگر اینکه وارد دوزخ می‌شوید از اهل بیت سؤال کردند که شما هم؟ فرمودند آری «جَزَانَهَا وَ هِيَ خَامِدَةٌ»<sup>۴</sup> ما از دوزخ عبور کردیم در حالی که دوزخ خاموش بود؛ از وجود ما آتش دوزخ خاموش شد؛ یعنی آتش محبت خدا، آتش دوزخ را خاموش و خنک می‌کند. وقتی فضای محبت خدا و اولیای خدا می‌شود، حرص و حسد و کینه از یاد می‌رود و همه‌ی چیزهایی که وجود انسان را داغ می‌کرد، فراموش می‌شود. گرمایی که انسان در بدنش از صفات دوزخی احساس می‌کند، یک حرم از آتش دوزخ است. وقتی انسان در فضای محبت خدا و خوبان خدا قرار می‌گیرد، خنک می‌شود.

🌸 در حدیث «حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ»<sup>۵</sup> محبت علی بن ابی طالب علیهِ السَّلَام

حسنة‌ای است که با وجود آن هیچ سیئه‌ای زیان نمی‌رساند، مقصود حبّ حقیقی است که خیلی چیز بزرگی است. حبّ مجازی که چند تا علی علی بگوید و گرم شود مقصود نیست. (۵:۰۵)

---

<sup>۳</sup> سوره‌ی مریم، آیه‌ی ۷۱.

<sup>۴</sup> فیض کاشانی، علم الیقین، ج ۲، ص ۱۱۸۴ و عین الیقین، ج ۱، ص ۳۰۱ و انوار الحکمة، ص ۳۴۸.

<sup>۵</sup> مجلسی، بحار، ج ۳۹، ص ۲۴۸ و اربلی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۱، ص ۹۳.

جمله‌ی مهمّی است. حدیث را در کتاب سَرِّح توضیح داده‌ام «حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ» محبّت امیرالمؤمنین علیه السلام حسنه‌ای است که با وجود آن حسنه هیچ سیئه‌ای به شخص ضرر نمی‌رساند. شبیه این هم داریم که لا اله الا الله حسنه‌ای است که با وجود آن سیئه‌ای ضرر نمی‌زند که حدیثش در اصول کافی است؛ چون توحید و ولایت دو جلوه از یک حقیقتند. قبلاً در بحث توحید راجع به حدیث قدسی «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي»<sup>۶</sup> «وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي»<sup>۷</sup> توضیح داده‌ام. حسنه‌ای که هیچ سیئه‌ای با وجود آن حسنه ضرر به انسان نمی‌زند، محبّت مجازی نیست که چهار تا علی علی بگوید و داغ شود؛ مثل بعضی درویش‌ها که ذکر می‌گویند، دهانشان کف می‌کند و در حال خودشان می‌روند؛ داستان این نیست. محبّت حقیقی ملاک است که علامت دارد. اگر آن علامت بود، معلوم است که محبّت حقیقی دارد. اگر علامت نبود، محبّت حقیقی نیست، شبیه محبّت است، صورتی از محبّت است؛ محبّت مجازی است.

### علامت محبّت حقیقی چیست؟

علامت اوّل: امام صادق علیه السلام فرمودند: «دَلِيلُ الْحُبِّ إِثَارُ الْمَحْبُوبِ عَلَيَّ مَا سِوَاهُ»<sup>۸</sup> دلیل و شاهد وجود محبّت این است که محب، محبوب خودش را بر هر چه غیر اوست ترجیح می‌دهد و چیزهای دیگر را قربانی و فدای معشوقش می‌کند. از همه چیز غیر معشوق برای رسیدن به معشوق می‌گذرد. ما در محبّت علی بن ابی طالب علیه السلام واقعاً این طوری هستیم؟ از جان، مال، آبرو، راحتی، رفاه، موقعیت و احترام خود در جامعه، راحت می‌گذریم؟ یا اگر آنها پیش بیاید در راه شل می‌شویم و فقط موقع علی علی گفتن و ... محبّت امیرالمؤمنین علیه السلام هست؟

<sup>۶</sup> اربلی، كشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۰۸ و مجلسی، بحار، ج ۴۹، ص ۱۲۷.

<sup>۷</sup> صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۷۱.

<sup>۸</sup> منسوب به امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۱۱۹ و مجلسی، بحار، ج ۶۷، ص ۲۲.

**علامت دوم:** اطاعت از محبوب. امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی کسی را دوست بدارد او را اطاعت می‌کند. بعد یک دوبیتی فرمودند: «تَعْصِي الْإِلَٰهَ وَ أَنْتَ تُظَهِّرُ حُبَّهُ» تو معصیت خدا می‌کنی بعد هم تظاهر به محبت خدا می‌کنی؟ «هَذَا لَعْمُكَ فِي الْفِعَالِ بَدِيعٌ» قسم به جان تو این ادعای تو بین کارها یک چیز بدیع و تازه‌ای است. این چه محبتی است که ادعای محبت داری؛ اما معصیت و عصیان هم می‌کنی؛ جلوی او می‌ایستی و حرفش را زیر پا می‌گذاری «لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا لَأَطَعْتَهُ» اگر محبت تو راست و حقیقی بود اطاعت او را می‌کردی «إِنَّ الْمُحِبَّ لِمَنْ أَحَبَّ مُطِيعٌ»<sup>۹</sup> کسی که کسی را دوست دارد مطیع محبوبش است.

**علامت سوم:** جز محبوب در زندگی هیچ چیز نبیند. «حُبُّكَ الشَّيْءَ يُعْمِي وَ يُصِمُّ»<sup>۱۰</sup> محبت تو به یک چیز تو را کر و کور می‌کند. از چه چیز کور و کر می‌شوی؟ از دیدن غیر محبوب و شنیدن صدای غیر محبوبت. اصلاً حواست به چیزی غیر محبوب نیست، شش دانگ حواست پهلوی اوست، بود و نبود عالم برایت دیگر قابل حس نیست.

**علامت چهارم:** از بودن با دوستش سیر و خسته نمی‌شود. از اطاعت و فرمانبری دوستش و از گفتگو با دوستش سیر و خسته نمی‌شود. هر چه بیشتر کنار محبوبش می‌نشیند، علاقه‌اش به بیشتر نشستن زیادتر می‌شود. هر چه با محبوب حرف می‌زند، اشتیاقش برای اینکه حرف زدن را ادامه بدهد زیاد می‌شود. هر چه فرمان محبوبش را می‌برد خسته نمی‌شود، اتفاقاً انرژی می‌گیرد. وقتی فرمان محبوبش را می‌برد، برای بیشتر انجام دادن نیرو پیدا می‌کند. ببینیم واقعاً در مناجات با خدا و طاعت و عبادت خدا این‌طوری هستیم، خسته نمی‌شویم؟ از اطاعت دوست خسته که نمی‌شود هیچ، شاداب هم می‌شود و نیرو و انرژی می‌گیرد و سر حال می‌آید؛ لذا مؤمن‌های راستین وقتی خسته می‌شوند برای اینکه

<sup>۹</sup> ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۲۹۴ و شیخ حرّاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۳۰۸.

<sup>۱۰</sup> ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۷۸.

خستگی در کنند وضو می‌گیرند و دو رکعت نماز می‌خوانند. دو رکعت نماز که خواند بعد از نماز دوباره سر حال و شاداب می‌شود؛ خستگی‌اش دررفت. خسته که نمی‌شود هیچ، انرژی هم می‌گیرند.

**علامت پنجم:** محبّ حقیقی به خلوت با دوستش انس دارد. دلش می‌خواهد با دوستش تنها باشد. از حضور غریبه‌ها و بیگانه‌ها خوشحال نمی‌شود. از خلوت با دوست لذّت می‌برد و از انس با دوست در خلوت استقبال می‌کند.

**علامت ششم:** شوق نزدیک‌تر شدن به دوستش را دارد. به این حدّی که با دوست رابطه دارد، راضی نیست. اشتیاق دارد هرچه نزدیکتر شود.

**علامت هفتم:** از دوستش هیچ‌وقت غافل نمی‌شود، یک لحظه هم به غیر دوست نمی‌اندیشد. گفت:

چنان پر شد فضای سینه از دوست      که یاد خویش گم شد از ضمیرم

یک لحظه هم از دوستش غافل نمی‌شود، که توجه به غیر کند. دائماً دوست در قلب و ذهنش حضور دارد و توجهش به اوست.

**علامت هشتم:** در راه دوست هر سختی به او برسد، درد احساس نمی‌کند؛ حتی از درد و لطمه‌ای که در راه دوست به او وارد می‌شود لذّت می‌برد و برایش شیرین است.

**علامت نهم:** فقط دوری از دوست سبب حزن اوست و تنها عاملی که می‌تواند او را مسرور کند، نزدیک شدن و بودنش با دوست است.

**علامت دهم:** تنها از اینکه از محضر دوست رانده شود و دوست از او روی برگرداند یا بین خودش و او حجابی بگذارد که او از دیدار دوست محروم شود یا اینکه دیگر راه به او ندهد که نزدیک‌تر از جایی که هست بشود، خوف دارد؛ نگرانش در زندگی فقط همین است.

**علامت یازدهم:** با دوستان دوستش شفیق و با دشمنان دوستش شدید است. دوستان دوستش را صمیمانه دوست دارد و از دشمنان دوستش با همه‌ی وجود نفرت دارد و به هیچ قیمتی حاضر نیست با آنها سازش کند.

**علامت دوازدهم:** صنع دوست را دوست دارد؛ یعنی مخلوق خدا را دوست دارد. انسان کسی را که دوست دارد، کارهایی هم که او می‌کند دوست دارد و برایش دوست داشتنی است. پزشک فوق تخصصی را می‌شناختم که در مطب خود نقاشی خرچنگ قورباغه‌ی بچه‌ی مهد کودکی‌ی را قاب گران قیمت گرفته و نصب کرده بود. بعد پرسیدم معلوم شد بچه‌ی کوچک مهد کودکی‌ی دارد که او را خیلی دوست دارد، و این بچه در مهد کودک این نقاشی را کشیده بود. کسی کسی را دوست داشته باشد، صنع او را هم دوست دارد. کسی که خدا را دوست داشته باشد، مخلوقات خدا را هم دوست دارد.

**علامت سیزدهم:** کسی که کسی را دوست دارد به دوستش حسن‌ظن و اعتماد دارد، به او بدبین و بدگمان نیست. به دوستش مطمئن است، که از او جز نیکی بر نمی‌آید و به آنچه او می‌کند خوش‌بین است.

عبارت این بود: «حُبُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَسَنَةٌ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ» محبت علی بن ابی طالب علیه السلام حسنه‌ای است که با وجود او هیچ سیئه‌ای زیان نمی‌رساند، حبّ حقیقی است که خیلی چیز بزرگی است، حبّ مجازی که چند تا علی علی بگویی و داغ شوی نیست. حالا فهمیدیم حبّ حقیقی چیست. حالا امیرالمؤمنین علیه السلام چند تا محبّ حقیقی دارد؟ باید با ذره‌بین گشت و پیدا کرد. محبّ حقیقی امیرالمؤمنین علیه السلام خیلی بزرگ است. ادعای محبت، تظاهر به محبت و اظهار محبت، هیچ‌یک حبّ حقیقی نیست؛ اگر حبّ حقیقی بیاید «لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ».

ان‌شاءالله خدای متعال محبت حقیقی امیرالمؤمنین علیه السلام را به برکت امیرالمؤمنین علیه السلام نصیب همه‌ی ما بفرماید.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ